

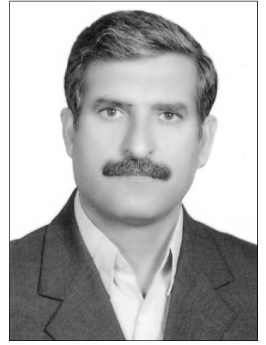
به مناسبت تولد امیرالمومنین (ع)

و روز پدر

«خاسیگاری»

لطفعلی بهره دار

عسکیت تو چیش آلوهیین انکاره اُفتُو
 اِسْمِت رو دِلش موندنیین، مثل خوشه ی جُو
 توخ نمکی ایش محض چنن پوزت میکن مَر
 عِشْقِت تو دِلش جا کرده خوش انکاره سنگ او
 امشو که می خوا بیا خونهت سی خاسیگاری
 تریش آ ای ین، رقیب بُکن چرخ او چرخو
 نمخوام جَلُوش رِقاط کئی چن تو چپوی گت
 هرچیک او داره آرش بساز تا گوش شو بش خو
 بُو تو زه تو طاق پوروق بچهم، کارش بی فویدن
 انکار مو واجسه م بچهم ! یا اومده دم او
 بُرچ زهرمار شه تا مو خواسه بزنم حرف
 چیش غرنه ایش ره، که بچهم میخواس بُکن تو
 دیدم تا سحر همزا نوشت هی سی تو قاغد
 شهری که شدب درس تو و او توی کتُو
 تو دریوی عشقت پریده دل بی صاحبش
 عشق تو می بهله دل او انکاره ژرنُو
 کش گو میکنه برقی چیش رو اسم خوبت
 از بس تو کوچه، پس کوچه تو هی میخوره تو
 فرهاد بی تیشه والله می میره توی بیستون
 تو شیرین جون او بُشو، او سیت می شه خسرو
 می ما آ تو گفتیم چه داری یا چه نداری؟!
 که تو آ ماها بونه می گیری مَث برنو
 «لطفلی» ایش بوگ باشه دست تا قیومت
 آخر په رو قدرم می دونی که کرده باش تو



بهار جاودان

دکتر لطفعلی کریمی

در بهار:

زندگی جوانه میزند

روی سنگ خاره

روی خار.

سنگ های بیخ

آب می شود

زیر نور آفتاب.

چگالی رنگ ها

می رود فراتر از شعاع بازتاب.

هر چه عطر

هر چه رنگ

هر چه نور

قطره قطره نوش می شود

در رگ حنایی انار

می پراکند نسیم

عطر تازه روی ماسه، روی آب.

بوی تند بونه می دهد

خواب برقی لطیف سار

زیر سایه سار ماهتاب.

تا که چشم کار می کند:

سبزه

گل

گیاه

نور فسفری یادمان باستان

رنگ و بوی زندگی

کاش در بهار گل فشان

زندگی مان به میلمان بهار بود .



حجّت حق

جلال خاوند

آن دلبر خوبان که ولی بود، علی بود
 آن قدرت یکتایی معبود، علی بود
 ای موج حوادث برو و فکر دگر باش
 آرامش دریای کف آلود، علی بود
 ما را چه هراس از شرر آتش دوزخ
 آن شافی در برزخ موعود، علی بود
 ای عاشق بیمار به بیراهه چرایی
 معشوق علی بوده و مقصود، علی بود
 هشیار چه می داند از این عالم مستی
 گر مست شدم ساقی مسعود، علی بود
 او شیر یل عرصه میدان یقین بود
 افتاده و بخشنده و خشنود، علی بود
 برخیز به نامش که علی حجّت حق است
 پیغمبر مردانگی و جود، علی بود
 با عشق به انواز بلندش صلواتی
 بخورشید پس از احمد و محمود، علی بود

خاطرات یک معلم ریاضی

مرضیه صداقت جو - دبیر ریاضی آموزشگاه های زرقان



خوب فیلم می گیرد، دلنوشته های فاطمه، مخصوصا درباره ی امام زمان (عج)، خیلی دلنشین است.

دیگری جواب داد: حدیث، صدای خوبی دارد، راضیه هم به کارهای رایانه ای خیلی وارد است در ضمن مریم هم نقاش خوبی است.

آن روز خیلی فکر کردم و تک تک، با آنها درباره ی توانایی هایشان صحبت کردم. یک ماه بعد برای آموزش یکی از درس های ریاضی، یک فیلم همراه با پاورپوینت با کمک این پنج نفر ساختم که زهرا فیلم می گرفت، برای صدا گذاری روی پاورپوینت از حدیث کمک گرفتیم. ساخت پاورپوینت را با اسلاید هایی که آماده کرده بودم، بر عهده راضیه گذاشتم و فیلم آموزش درس ریاضی را هم به کمک بازی خوب فاطمه و نقاشی بی نظیر

وارد کلاس شدم، برگه های ریاضی دانش آموزان هفتم را که تصحیح کرده بودم به آنها دادم.

برای چندمین بار، پنج نفر از دانش آموزان تجدید شده بودند، بعد از چند دقیقه از دفتر مدرسه همان پنج نفر را صدا زدند (قبلا با خانم مدیر هماهنگ کرده بودم) به دانش آموزان گفتیم: امروز پیام بازرگانی ریاضی، پیدا کردن راهکار برای بهتر شدن نمره ریاضی این پنج نفر می باشد که می خواهیم شما به من کمک کنید و اما چگونه؟

توضیح: (در پیام بازرگانی ریاضی معمولا ۱۵ دقیقه از وقت کلاس را به مسائل روانشناسی و تفریحی می پردازیم.)

می خواهم بدانم این پنج نفر چه استعدادها یا هنرهای خوبی دارند؟ یکی از دانش آموزان جواب داد: زهرا خیلی

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.

tolou2@yahoo.com

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح پذیر

